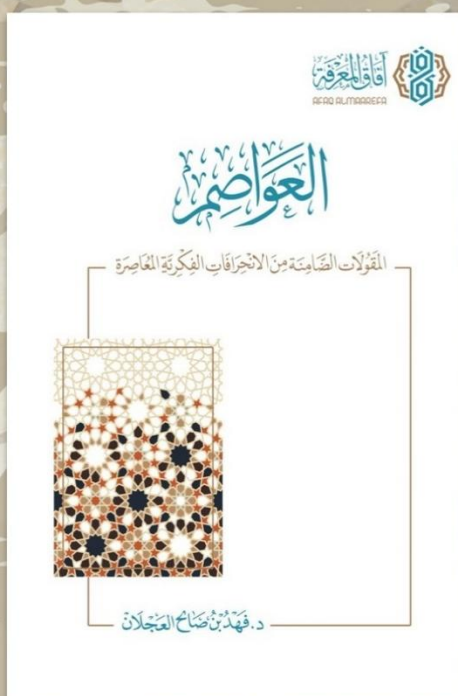


سخنان محافظ (۲۳)

از آنچه به آن علم نداری پیروی مکن

دکتر فهد العجلان | ترجمه: عبدالله شیخ آبادی



سخنان محافظ | از آنچه به آن علم نداری پیروی مکن |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سخنان محافظ (۲۳) از آنچه به آن علم نداری پیروی مکن

پروردگارمان سبحانه و تعالی ما را از پیروی آنچه به آن علم نداریم نهی کرده و فرموده است: **{وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا}** [اسراء: ۳۶] (و چیزی را که به آن علم نداری دنبال مکن؛ زیرا گوش و چشم و دل، همه این‌ها [در پیشگاه الله] مورد بازخواست قرار خواهند گرفت).

بنابراین مسلمان در حرف‌هایش خداوند را در نظر می‌گیرد، چون می‌داند این زبان مسئول است و او باید در برابر پروردگارش پاسخگو باشد؛ این آگاهی، تضمین بزرگی برای حفظ نفس از پیامدهای حرف زدن بدون علم است.

مقصود از فرموده الله متعال: **{وَلَا تَقْفُ}** دو چیز است:

سخنان محافظ | از آنچه به آن علم نداری پیروی مکن |

اول: نگو و به زبانش نیاور؛ که در این صورت معنایش نهی از دروغ گفتن در سخن است. پس انسان نباید وقتی از شنیده‌ها و دیده‌هایش حرف می‌زند دروغ بگوید. به همین دلیل قتاده گفته: «نگو دیدم در حالی که ندیدی، و نگو شنیدم در حالی که نشنیدی، و نگو دانستم در حالی که نمی‌دانی؛ چون الله تبارک و تعالی تو را درباره همه این‌ها بازخواست می‌کند».^۱

دوم: پرتاب نکن (تهمت نزن) که معنایش نهی از پرتاب کردن اتهامات به سوی مردم به باطل است، چنان‌که از ابن عباس روایت شده که گفته: «کسی را به چیزی که به آن علم نداری متهم نکن».^۲

^۱ به روایت یحیی بن سلام در التفسیر (۱/ ۴۹)، و عبدالرزاق در تفسیرش (۲/ ۲۹۹)، و طبری در تفسیرش (۱۴/ ۵۹۴).

^۲ طبری در تفسیرش (۱۴/ ۵۹۴) آن را روایت کرده است.

سخنان محافظ | از آنچه به آن علم نداری پیروی مکن |

طبری می‌گوید: «این دو تأویل در معنا به هم نزدیکند؛ زیرا کسی که شهادت دروغ می‌دهد و به مردم تهمت باطل می‌زند و ادعا می‌کند چیزی را شنیده که نشنیده و دیده که ندیده، وارد مقوله سخن گفتن بدون علم شده است»!

سخن گفتن بدون علم شامل هر کلامی در هر زمینه‌ای می‌شود و موارد متعددی ذیل آن قرار می‌گیرد:

اول: راستگویی در گفتگو با مردم.

دوم: شهادت دادن علیه دیگران، چه در دادگاه و چه غیر آن؛ بنابراین نباید علیه کسی گواهی دهد که حرفی زده یا کاری کرده، مگر اینکه از روی علم باشد. و این باب بزرگی است: **{سُكْتُبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ}** [زخرف: ۱۹] (گواهی آنان نوشته خواهد شد و بازخواست می‌شوند). و پیامبر ﷺ می‌فرماید: «هر کس درباره مسلمانانی چیزی بگوید که در او نیست، خداوند او را در «رَدْغَةُ الْخَبَالِ»

(چرک و خون دوزخیان) جای می‌دهد تا وقتی که از آنچه گفته بیرون بیاید
[حرفش را پس بگیرد یا پاک شود]!^۱

از این قبیل است آنچه در دوران جاهلیت رایج بود؛ کارهای نکوهیده‌ای مانند
طعنه زدن در نسب‌ها و نسبت دادن فواحش به دیگران.^۲

^۱ به صورت مرفوع و موقوف روایت شده است؛ احمد در «المسند» (۸ / ۲۸۳) به شماره (۵۳۸۵)، و ابوداود (۵ / ۴۵۰) به شماره (۳۵۹۷) آن را از ابن عمر به صورت مرفوع روایت کرده‌اند، و حاکم - چنان که در «المستدرک» (۲ / ۳۲) آمده - آن را صحیح دانسته و ذهبی با او موافقت کرده است، و ابن قیم در «إعلام الموقعین» (۶ / ۵۷۳) سندش را نیکو (جید) شمرده، و طبرانی در «المعجم الكبير» از ابن عمر (۱۲ / ۳۸۸) به شماره (۱۳۴۳۵) و در «المعجم الأوسط» از ابوهریره (۶ / ۳۰۹) به شماره (۶۴۹۱) آن را روایت کرده است، و هیثمی در «مجمع الزوائد» (۱۰ / ۹۱) گفته است: راویان هر دو سند، از راویان صحیح هستند مگر محمد بن منصور طوسی که او [نیز] ثقه است. و نک: «سلسلة الأحادیث الصحيحة» اثر آلبانی (۱ / ۷۹۸-۷۹۹). و عبدالرزاق در «المصنف» (۱۰ / ۴۳۷) به شماره (۲۱۹۸۲)، و ابن ابی شیبه در «المصنف» (۵ / ۴۷۳) به شماره (۲۸۰۷۹) آن را به صورت موقوف بر ابن عمر روایت کرده‌اند، و ابوحاتم - چنان که در «العلل» ابن ابی حاتم (۵ / ۳۶۲) آمده - گفته است: صحیح از ابن عمر، [روایت] موقوف است؛ و ابن حجر در «فتح الباری» (۱۲ / ۸۷) ذکر کرده که [روایت] موقوف از آن [مرفوع] صحیح‌تر است. و نک: تحقیق «العلل» اثر ابن ابی حاتم (۵ / ۳۶۲).

^۲ ببینید: التحرير والتنوير (۱۵ / ۱۰۰).

سخنان محافظ | از آنچه به آن علم نداری پیروی مکن |

سوم: سخن گفتن بدون علم در مسائل شرعی؛ که این از بزرگترین و خطرناکترین انواع سخن گفتن بدون علم است: **{قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ}** [اعراف: ۳۳] (بگو: پروردگارم تنها کارهای زشت را - چه آشکارش و چه پنهانش را - و گناه و ستم به ناحق را، و اینکه چیزی را که بر [حقانیت] آن دلیلی نازل نکرده شریک خدا قرار دهید، و اینکه آنچه را نمی‌دانید به خدا نسبت دهید، حرام کرده است). و از زیر بار این نکوهش خارج نمی‌شود مگر کسی که عالمانه حرف بزند، نه بر اساس حدس و گمان.

به دلیل اهمیت و حساسیت سخن گفتن در مسائل شرعی، استفاده از کلمه «نمی‌دانم» در پاسخ به پرسش‌ها، میان علما رایج و پسندیده است. چنان‌که ابن مسعود نیز بر این رویه تأکید کرده و فرموده است: «این از علم است که

درباره آنچه نمی دانی، بگویی: الله اعلم (الله داناتر است)». گاهی برخی مردم تصور می کنند که اگر عالمی بگوید «نمی دانم» یعنی هیچ چیزی در مورد این سؤال نمی داند، یا اینکه این اولین باری است که این را می شنود و نمی داند چه بگوید؛ این تصور بعیدی است، چون این جواب جاهل نیست، بلکه جواب عالم است. او توانایی این را دارد که صحبت کند، و اگر می خواست وارد شود میدان برایش باز بود، و چه بسا عالم به اختلاف مردم و دلایل و اسباب اختلافشان باشد؛ اما به خاطر عظمت این باب و احتیاط برای دینش به «نمی دانم» چنگ می زند، چون در پاسخش مطمئن نیست، یا حق پژوهش را در این مسئله ادا نکرده است، یا به خاطر وجود برخی شبهات در آن، و دلایلی از این دست.

^۱ به روایت بخاری (۱۳۱/۶).

سخنان محافظ | از آنچه به آن علم نداری پیروی مکن |

چهارم: سخن گفتن دربارهٔ رویدادها و وقایع تاریخی یا جدید بدون علم؛ در نتیجه از چیزهایی خبر می‌دهد که اتفاق نیفتاده، یا بدون آگاهی وارد بحث وقایع می‌شود.

پنجم: سخن گفتن دربارهٔ مباحث مربوط به علوم معاصر که نیازمند تخصص و معرفت است؛ بنابراین فرد ناآگاه در مسائل پزشکی یا نجومی یا انسانی با حدس و گمان سخن می‌گوید.

ششم: حرف زدن دربارهٔ احوال مردم و پنهانی‌ها و امور خصوصی و عمومی‌شان بدون علم.

* * *

آثار این مقوله:

عرصهٔ این گفته وسیع و تأثیرش عظیم است؛ مسلمان خود را از سخن گفتن بدون علم در هر زمینه‌ای و با هر توجیهی حفظ می‌کند. این امر آثار تضمین‌کنندهٔ بسیاری در جنبه‌های علمی و تربیتی دارد، از جمله:

- تحقیق و اطمینان یابی:

مسلمان هر خبری را که می شنود قبول نمی کند، و پیرو هر گوینده ای نمی شود، و به دنبال هر کسی راه نمی افتد؛ بلکه معیار و ترازوی درونی خاص خود را دارد که با آن اطلاعات را بررسی می کند و درباره شنیده هایش اطمینان حاصل می کند، و تسلیم اطلاعات شایع یا خبر مشهور یا آنچه مردم با پذیرش دریافت می کنند، نمی شود.

بخشی از تحقیق و اطمینان این است که مسلمان جانب احتیاط را برای خودش نگه دارد؛ به این معنی که حتی در چیزهایی که گمان می کند درست است، جایی برای احتمال خطا، توهّم یا کژفهمی باقی بگذارد. پس تنها به اعتماد بر آنچه درست می پندارد اکتفا نمی کند، بلکه جانب احتیاط را می گیرد و این نشانه عقل و درک است. اگر از روی احتیاط، سخن گفتن درباره چیزی را که گمان می کند راست است ترک کند، چیزی از دست نمی دهد؛ و اگر به یک رویداد خاص اعتماد نکند و به دنبال شواهد بیشتری باشد، این کار تأثیری

سخنان محافظ | از آنچه به آن علم نداری پیروی مکن |

منفی بر او ندارد؛ چرا که احتیاط مایه سلب مسئولیت است بی آنکه ضرری داشته باشد.

- دوری از مجالس فرورفتن در سخنان باطل:

انسان از محیط اطرافش تأثیر می پذیرد؛ بنابراین کسی که عادت کند به اخبار دروغ و تحلیل های خیالی و شهادت های ظالمانه گوش دهد، این کار قطعاً بر او اثر می گذارد، حتی اگر خودش حس نکند. پس کسی که می خواهد به آن اخلاق بزرگی که این آیه آورده آراسته شود، واجب است از مجالس دروغ و بی مبالاتی درباره آبروی افراد و آسان گرفتن تهمت ناحق به مردم دوری کند؛ به همین دلیل در کتاب خدا این وعید و تهدید آمده که [حاضر] ساکت در این مجالس، مانند [سخنگویان] آنهاست: **وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلَهُمْ** [نساء: ۱۴۰] (و در کتاب بر شما نازل کرده که هرگاه شنیدید به آیات الله کفر می ورزند و آن را مسخره می کنند، با آنان ننشینید تا

سخنان محافظ | از آنچه به آن علم نداری پیروی مکن |

به سخن دیگری پردازند؛ [که اگر بنشینید] در این صورت شما هم مثل آنها خواهید بود).

این مجالس ممکن است مجالس حقیقی باشند، یا مجازی مانند وبسایت‌ها، یا حساب‌های شبکه‌های اجتماعی؛ بنابراین شایسته نیست که مسلمان چیزی را دنبال کند که سخن بدون علم را ترویج می‌دهد، بلکه باید از گفتن سخن بدون علم پرهیز کند، و از جاهایی که احتمال وجود چنین سخنانی در آن هست نیز دوری گزیند.

- در نظر داشتن نظارت الهی و مسئولیت:

سخن گفتن در مسائل دینی، آبروی مردم، یا داوری درباره افراد و جوامع، از اموری است که انسان بابت آن بازخواست می‌شود؛ زیرا انسان در پیشگاه پروردگارش ایستادنی است و درباره آنچه زبانش گفته محاسبه می‌شود. این معنایی است که در کشاکش جدل‌های معاصر میان مردم بسیار غایب است؛ بنابراین بدون احتیاط و اطمینان از درستی سخن به میدان اظهار نظر و مواضع

سخنان محافظ | از آنچه به آن علم نداری پیروی مکن |

و سخن درباره اشخاص می‌تازند، گویی که روز قیامت در پیشگاه خدا درباره آن بازخواست نخواهند شد. غیبت این معنا، از بزرگترین اسباب سهل‌انگاری در این باب است.

برخی از مردم گمان می‌کنند که این‌گونه سخن گفتن بخشی از آزادی فردی است؛ یعنی همان‌طور که نوع لباس یا خوراک و نوشیدنی‌اش را انتخاب می‌کند، هر چه هم دلش می‌خواهد می‌گوید، و مهم این است که در گفتن عقیده‌اش آزاد باشد. این غفلی بزرگ از حقیقت این معنای شرعی است که همان مسئولیت است؛ حتی اگر از مجازات دنیوی جان سالم به در ببری، این تو را از مسئولیت بزرگ در پیشگاه خداوند معاف نمی‌کند.

نبود این حس مسئولیت آن‌قدر گسترش یافته که حتی باعث تشویق مردم به اظهار نظر درباره احکام و مسائل شرعی شده است؛ کار به جایی رسیده که کسانی را که در این زمینه نظرات شخصی و «مستقل» می‌دهند و در بیان دیدگاهشان بی‌پروا هستند، ستایش می‌کنند و شجاع می‌نامند. این‌ها

تعابیر ژورنالیستی و کاذبی است که فقط برای باد کردن برخی افراد به کار می‌رود.

اما کسی که بار مسئولیت را حس کند، می‌فهمد که این کار اصلاً پسندیده نیست و رفتاری عاقلانه به شمار نمی‌رود. بلکه روش درست این است که مسلمان درنگ و احتیاط کند، و از سخن گفتن دربارهٔ شرع بترسد، و تحت تأثیر افراد بی‌خرد قرار نگیرد و جوگیر نشود.

از موارد درک مسئولیت آن است که مسلمان میان وسوسه‌های ذهنی گذرا با آنچه گمان می‌کند یا توهم دارد، تفاوت قائل شود. او برای وسوسه‌های ذهنی و آنچه گذرا از ذهنش می‌گذرد بازخواست نمی‌شود، چنان‌که پیامبر ﷺ فرمود: «خداوند برای امت من، آنچه را که در نفس آنها می‌گذرد تا زمانی که به آن عمل نکرده یا به زبان نیاورده‌اند، بخشیده است»^۱ اما این [حدیث]

^۱ بخاری (۴۶ / ۷) به شماره (۵۲۶۹) از حدیث ابوهریره رضی الله عنه آن را روایت کرده است.

مجوزی برای بیان هر چه به ذهن می‌رسد نیست؛ زیرا برای [گفتن] آن بازخواست خواهد شد.

ابن عطار با بیان این معنای مهم می‌گوید: «هجوم افکار گذرا [بر ذهن] مؤاخذه ندارد؛ زیرا انسان توانی در [کنترل] آن و ثباتش ندارد، اما عمل به آن و اصرار بر آن مؤاخذه دارد. و معنای سخن خداوند متعال همین است: **{وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا}** [اسراء: ۳۶] (و چیزی را که به آن علم نداری دنبال مکن؛ زیرا گوش و چشم و دل، همه این‌ها مورد بازخواست قرار خواهند گرفت)»^۱.

- احترام به تخصص‌های علمی:

بحث‌های امروزی بر پایه اطلاعات و تحلیل‌ها و نتایجی استوار است که با تخصص‌های علمی و انسانی مختلف گره خورده است؛ بنابراین دوری از «سخن گفتن بدون علم» اقتضا می‌کند که انسان بی‌محابا وارد موضوعاتی

^۱ العدة فی شرح العمدة (۲/ ۹۳۳-۹۳۴).

نشود که نیاز به تخصص دقیق دارد، و نباید با تکیه بر اطلاعات عمومی یا برآوردهای ذهنی یا تجربیات شخصی، نتایجی ارائه دهد که با بدیهیات این تخصص‌ها در تعارض باشد. چون اظهارنظر در این موارد، از مصادیق سخن گفتن بدون علم است و کاری نکوهیده محسوب می‌شود.

ماجرا وقتی بدتر می‌شود که این مسئله به بحث دربارهٔ یک حکم شرعی گره بخورد؛ چنان‌که برخی مردم برای دفاع از احکام شرعی، یا بیان مصالح آن احکام، چیزهایی را پیش می‌کشند که به نظرشان در پزشکی مدرن ثابت شده، یا تحقیقات روان‌شناسی یا جامعه‌شناسی بر آن دلالت دارد. اما بعداً مشخص می‌شود که همهٔ این‌ها اشتباه یا غیرقطعی بوده است، و مفسده‌ای بزرگ بر آن مترتب می‌شود. این کار از اساس خطاست، چون سخن گفتن بدون علم است. از جهت دیگر هم خطاست، به خاطر فتنه‌ای که ممکن است برای برخی مسلمانان ایجاد کند؛ چون وقتی نادرستی این اطلاعات آشکار شود، شک و تردید نسبت به خود حکم در دل‌هایشان بیدار می‌شود. و

منحرفان همیشه از این گونه خطاها استقبال کرده و از آن برای بازی با دین مردم و ایجاد شک و شبهه در میان آنان سوءاستفاده کرده‌اند.

به همین دلیل بر هر کسی که دربارهٔ یک حکم شرعی حرف می‌زند - به‌ویژه طلاب علم - واجب است وقتی در زمینه‌ای صحبت می‌کنند که با علوم معاصر تلاقی دارد، جانب احتیاط را رعایت کنند و در این موارد به اطلاعات رایج یا گمانی تکیه نکنند، بلکه باید در هنگام نیاز به متخصصان آن امر مراجعه کنند.

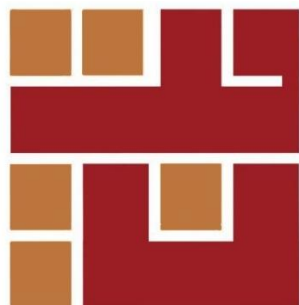
- ما مأمور به ظاهریم و باطن با خداست:

این یک مفهوم شرعی بزرگ، و از مصادیق «رها کردن چیزی که به آن علم نداریم» است. مسلمان موظف به حکم کردن بر اساس ظاهر مردم است، اما باطنشان کارش با خداست؛ پس مردم را در عقایدشان تفتیش نمی‌کند، و آن‌ها را به خاطر آنچه در سینه‌هایشان نهفته است یا گمان می‌کند مخفی کرده‌اند - تا وقتی که آشکارش نکرده‌اند - بازخواست نمی‌کند.

سخنان محافظ | از آنچه به آن علم نداری پیروی مکن |

از آثار عمل به ظاهر این است که مسلمان دربارهٔ بهشتی یا دوزخی بودنِ هیچ‌کس به یقین حکم نمی‌کند، مگر کسی که پیامبر ﷺ برای او گواهی داده باشد؛ بلکه برای نیکوکار امید دارد و بر بدکار بیمناک است.

سخنان محافظ | از آنچه به آن علم نداری پیروی مکن |



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies